

اصول روابط اجتماعی در سبک زندگی قرآنی

در حوزه تعاملات اجتماعی

(تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۱۷)

کوثر حلال خور*، نوروز امینی**

چکیده

زیباترین و دلرباترین بعد از ابعاد دین مبین اسلام، بعد اخلاقی آن است. آنجا که از فضایل اخلاقی سخن می‌گوید و انسان‌ها را به تخلق به اخلاق الهی فرا می‌خواند. در حوزه باید و نبایدهای اخلاقی نیز مهم‌ترین بحث، مباحثی است که جنبه اجتماعی دارد؛ چرا که این مباحث، تکالیف اخلاقی انسان را در حوزه تعاملات اجتماعی بیان و خط‌قرمزهای زندگی وی را در تعامل با دیگر انسان‌ها مشخص می‌کند. این پژوهش اصول روابط اجتماعی را در تعاملات اجتماعی بررسی کرده و باید و نبایدهای این حوزه را از متن قرآن و روایات استخراج و ارائه نموده است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی دینی، اخلاق اجتماعی، آداب

معاشرت، تعاملات اجتماعی.

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و بسیاری از نیازهای او در اجتماع و در ارتباط با سایر انسان‌ها برطرف می‌شود. زندگی اجتماعی نیز قواعد و مقرراتی می‌خواهد که روابط میان انسان‌ها را نظام‌مند سازد تا در عین رعایت آزادی‌های فردی افراد، مانع تراجم منافع آن‌ها و تجاوز ایشان به حقوق یکدیگر گردد. تمام مکاتب بشری با پذیرفتن دو اصل یادشده پیوسته در تلاش بوده‌اند تا الگویی برای زندگی اجتماعی بشر ارائه دهند و از این رهگذر پیروان خود را به خوشبختی رهنمون شوند. اینکه هر یک از

* (نویسنده مسئول)، دانشجوی کارشناسی تربیت معلم قرآن، دانشکده علوم قرآنی خوی؛

bavare_sorkh18@yahoo.com

** عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی خوی؛ amini@quran.ac.ir

مکاتب بشری تا چه اندازه در این زمینه توفیق داشته‌اند، مقوله‌ای است که کم و بیش اندیشمندان به آن پرداخته و محاسن و معایب هر یک از الگوهای معرفی شده در مکاتب بشری را بررسی کرده و نقاط ضعف و قوت آن‌ها را بازشناسانده‌اند. با این حال تفاوت‌های موجود در الگوهای معرفی شده توسط مکاتب بشری به حدی است که انسان را در انتخاب، دچار حیرت و سرگردانی می‌سازد؛ چرا که قواعد و مقررات ارائه شده در یک مکتب گاه با قواعد و مقررات ارائه شده در مکتب دیگر کاملاً متفاوت و حتی متعارض است؛ برای مثال الگوی زیست اقتصادی ارائه شده در کمونیسم با کاپیتالیسم کاملاً متعارض است. با همه این تضادها و تفاوت‌ها و تعارض‌ها که در الگوهای معرفی شده در مکاتب مختلف وجود دارد، همه آن‌ها در یک نکته با هم اشتراک دارند و آن این است که همه آن‌ها الگوهای معرفی شده توسط بشر هستند و به دلیل خطاپذیر بودن اندیشه بشر هر یک دارای نقاط قوت و نقاط ضعفی است. اما قرآن به عنوان یگانه الگوی زندگی الهی، که از دستبرد اندیشه خطاپذیر انسان مصون مانده است، الگوی جامع و کامل برای پیروان خود ترسیم نموده است که این الگو به خاطر الهی بودن و تنظیم شدن توسط خالق بشر، فاقد ضعف‌ها و کاستی‌های یادشده است و علاوه بر آن، واقع‌گرایانه‌تر و با فطرت بشر نیز سازگارتر است. این پژوهش در پی تبیین اصول حاکم بر تعاملات انسان‌ها در روابط اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم است. پرسش این است که اسلام، روابط اجتماعی انسان‌ها را بر چه اصولی بنا ساخته و چه بایدها و نبایدهایی را به عنوان اصل، در زندگی اجتماعی بشر پیشنهاد نموده است؟ آنچه در پی می‌آید، پاسخ این پرسش از دیدگاه قرآن است.

بحث و بررسی

۱- اصول و مبانی سبک زندگی دینی در حوزه تعاملات و برخوردها

قرآن در حوزه تعاملات و برخوردهای افراد با یکدیگر دستورالعمل‌هایی ناب دارد. این دستورالعمل‌ها را که گاه در قالب احکام عملی بیان شده‌اند، می‌توان به دو گروه بایدها و نبایدها تقسیم‌بندی کرد که در ادامه به هر یک از دو گروه می‌پردازیم.

۱-۱- بایدهای این حوزه

در حوزه برخوردهای اجتماعی، اصولی در سبک زندگی دینی معرفی شده که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

۱-۱-۱. سلام و مصافحه به هنگام رویارویی با دیگران

پیوندها و تعاملات اجتماعی نیازمند تحکیم می‌باشند و یکی از اموری که باعث استواری و پایداری این پیوندها و تعاملات می‌گردد، سلام و مصافحه در رویایی با یکدیگر است. اصطلاح «سلام علیکم» اصطلاحی است که مخصوص مسلمانان است و هر مسلمان با هر ملیتی با همین لفظ به دیگران اعلام خضوع و دوستی می‌نماید. قرآن نیز مسلمانان را به پیشی جستن در آن ترغیب می‌نماید و همچنین توصیه می‌کند تا اگر پاسخ‌دهنده هستند، بهتر و زیباتر جواب گویند. (نساء/۸۶) زیرا با انجام این امور علاقه، محبت و صمیمیت خود را ابراز می‌کنیم؛ همچنان که خداوند امر به سلام فرموده است (نور/۲۷) سلامی که نشانه صلح و صفا و پیام‌آور محبت و دوستی است. همچنین وضوح اهمیت این کار در سالم‌سازی و بهبود روابط انسانی در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مشخص است که فرموده‌اند آشکارا به یکدیگر سلام کردن باعث دوستی افراد می‌شود. (نوری، ۱۴۰۷: ۸، ۳۶۲) امام صادق (علیه السلام) نیز در اهمیت دست دادن و مصافحه فرموده‌اند که دست دادن به یکدیگر باعث زدودن کینه‌ها می‌شود (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۸، ۵۵۴).

۱-۲-۱. صدق و راستی

پایداری و قوام روابط انسان‌ها در جامعه، به اعتمادی است که افراد نسبت به یکدیگر دارند و راستی چیزی جز امانت در گفتار نیست؛ آنچه که باعث مستحکم شدن این باور می‌شود، داشتن صداقت افراد نسبت به یکدیگر است؛ همچنان که خداوند دستور داده است که از صادقین باشید (توبه/۱۱۹) و برای صادقان مغفرت و پاداش عظیمی را بشارت داده است (احزاب/۳۵) نخستین تاثیری که صدق و راستی از خود به یادگار می‌گذارد، مساله جلب اطمینان و اعتماد در همکاری‌های دسته‌جمعی است. همچنان که سرلوحه دعوت همه پیامبران در مسایل معاشرتی و اخلاقی، راستگویی و امانت‌داری بوده است (لثی، ۱۳۶۳: ۲، ۱۰۴) همچنین صدق و راستی، قدر و مقام انسان را در جامعه بالا می‌برد (تمیمی آمدی، ۱۳۳۹: ۴، ۲۶۹) و شخص راستگو به خاطر صداقتش سه چیز را به دست می‌آورد: حسن اعتماد مردم، جلب محبت و دوستی، و ابهت و شخصیت. (تمیمی آمدی، ۱۳۳۹: ۲، ۸۷۶) که این عوامل در تعاملات سالم و پایدار بسیار تاثیرگذار است.

۱-۱-۳- خوش خلقی

یکی از ضروریات اخلاق و معاشرت مسلمانی، مردم‌داری می‌باشد؛ یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مردم‌داری، خوش اخلاقی و حسن خلق است. حسن خلق یکی از فضائل اخلاقی است که در تداوم روابط اجتماعی بسیار موثر و باعث استحکام تعاملات اجتماعی می‌شود. همچنان‌که دربارهٔ پیامبر آمده است که خوش اخلاقی آن حضرت باعث پراکنده نشدن افراد از کنار ایشان شده است. (آل عمران / ۱۵۹) پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز برترین عمل در ترازوی هر کس در قیامت را حسن خلق قلمداد می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۷، ۶۰) برخورد صحیح و اخلاق نیکو یکی از راههای پیشرفت در اجتماع می‌باشد و مهم‌ترین عنصری است که می‌تواند انسان را در میان جامعه، صاحب موقعیت نماید. در مقابل بد اخلاقی مایه آثار شومی نظیر بی‌مهری و اختلاف است که دامنگیر جامعه می‌شوند و پیامدهای بسیاری نظیر تنهایی و طرد از اجتماع دارند. در اهمیت حسن خلق، همین بس که کامل‌ترین مؤمن از نظر ایمان، خوش خلق‌ترین آنها دانسته شده است. (فیض کاشانی، بی‌تا: ۳، ۲۸۴)

۱-۱-۴- گفتار مؤدبانه

گرچه زبان موثرترین وسیله طاعت و اصلاح است، در عین حال خطرناک‌ترین و پرهزینه‌ترین عضو بدن محسوب می‌شود. تا آنجا که در توصیف صفات مومن از دیدگاه اسلام آمده است که مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر از زبان و دست او آسوده باشند. (کلینی، ۱۳۶۳: ۲، ۲۳۳) خداوند نیز ملایمت و نرمی در گفتار را باعث جذب دیگران و هدایت آن‌ها بیان می‌کند. (طه/۴۴) و مردم را به گفتار حسنه میان افراد دستور می‌دهد: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا﴾ (بقره/۸۳) بنابراین ارزش انسان و جوهره وجودی او را زبان و بیانش روشن می‌کند که متانت در سخن و داشتن عفت کلام، رابطه‌ها را استوارتر و پیوندها را صمیمی‌تر می‌سازد. همچنان‌که امام علی (علیه السلام) جواب خطاب زیبا را نیز جواب زیبا شنیدن می‌داند. (تمیمی آمدی، ۱۳۳۹: ۱، ۱۳۹) درباره آهنگ سخن گفتن، قرآن به مسلمانان توصیه می‌کند که آهسته سخن بگویند و سر و صدا راه نیاندازند (لقمان/۱۹) زیرا سخن گفتن برای این است که شنونده بشنود، پس بلند کردن بیش از حد صدا، علاوه بر آزار شنونده، مانع سخن گفتن دیگران می‌شود که آیه مذکور ضمن یک مثال گویا، زشتی بلند سخن گفتن را برای انسان بیان کرده است.

۱-۵- تواضع و خاکساری

از ویژگی‌های مهم اخلاقی که یک اصل عالی و ارزش مهم اجتماعی است، تواضع است که باعث افزایش ارتباطات اجتماعی افراد می‌شود؛ همچنان که خداوند در توصیف صفات بارز مومنان، آنان را در برابر دیگر مومنان، فروتن معرفی می‌کند. (مائده/۵۴) آنچه که از بدیهیات در تعاملات بین افراد است، این است که افراد جامعه تمایل بیشتر به برقراری ارتباط با متواضعان دارند؛ چرا که آنها هیچ ادعایی در قبال دیگران ندارند و طبق روایات، سه عامل است که موجب جلب محبت دیگران می‌شود: دینداری، فروتنی و بخشندگی. (تمیمی آمدی، ۱۳۳۹: ۱، ۳۲۹) خداوند نیز از اینگونه افراد تعبیر به بندگان خاص خود کرده است: ﴿عِبَادُ الرَّحْمَانِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾ (فرقان/۶۳) و این نشان از ارزش والای این خصیصه دارد. پیامبر اکرم نیز تواضع را یکی از اعمال ارزشمند دانسته است: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثَةٌ، التَّوَّاضِعُ ...» (أملی، ۱۳۸۶: ۷۳) چنانکه در جای دیگر متواضعان را نزدیکترین انسان‌ها به خدا معرفی نموده است: «أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْمُتَوَاضِعُونَ». (کلینی، ۱۳۶۳: ۲، ۱۲۳)

۱-۶- امانت‌داری

سرمایه اصلی جامعه و سبب پیوند مردم با یکدیگر، امانت‌داری است؛ زیرا کسی که خود را ملزم به رعایت امانت می‌داند، قابل اعتماد خواهد بود و خیانت از او سر نمی‌زند. قرآن، درباره پنج تن از پیامبران بزرگ الهی یعنی حضرت نوح (شعراء/۱۰۷)، هود (شعراء/۱۲۵)، لوط (شعراء/۱۶۲)، صالح (شعراء/۱۴۳)، شعیب (شعراء/۱۷۸) و موسی (دخان/۱۸) لقب «امین» به کار برده است که نشان‌دهنده این است که بدون امانت هرگز اعتماد امت‌ها جلب نمی‌شود. قرآن به انسان دستور می‌دهد که با تأسی از انبیاء، امین باشند و در حفظ امانت‌ها بکوشند و آن‌ها را به صاحبانش بازگردانند. (نساء/۵۸) زیرا امانت در عمل باعث جلب اعتماد افراد می‌شود و ارتباطات آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. امانت‌داری از اولویت‌ها و نیازهای اجتماعی بشر به شمار می‌آید و در استواری و ماندگاری جامعه نقش بسزایی دارد؛ زیرا استواری جوامع بشری در ابعاد گوناگون و امدار امانت‌داری و گسترش آن در جامعه است به گونه‌ای که اگر روحیه امانت‌داری ضعیف شود و این خوی و منش در جامعه به فراموشی سپرده شود، اعتماد دوسویه از میان می‌رود و پریشانی و نگرانی بر زندگی مردم سایه خواهد شد و در نهایت شیرازه زندگی اجتماعی مردم از هم خواهد گسیخت.

۱-۷-۱- امر به معروف و نهی از منکر

در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر همین بس که آن را در ردیف فروع دین مطرح کرده‌اند. از آنجا که انسان موجودی است ممکن‌الخطا و فراموشکار، باید افرادی باشند که در صدد اصلاح فرد و جامعه باشند تا تعاملات اجتماعی و افراد به انحطاط اخلاقی کشیده نشوند؛ بنابراین طبق فرمایش قرآن باید افراد جامعه پایبند به رعایت این فریضه مهم باشند. (آل عمران/۱۰۴) قرآن، امتی را که عامل به این امر باشند، بهترین امت معرفی می‌کند. (آل عمران/۱۱۰) اصلاح فرد و جامعه در سایه شناختن عیوب و تلاش برای زدودن آن‌ها است؛ زمینه‌ساز این عیب‌زدایی از سویی تذکر و از سوی دیگری تنبه و اقدام است. مسأله تذکر و نقد، نقدپذیری و توجه به تذکرات دیگران از جمله عوامل مهمی است که باعث برقراری تعاملات اجتماعی سالم و پایدار می‌گردد تا آنجا که امام علی (علیه السلام) به پندپذیری از واعظ پندپذیر و بیدار سفارش می‌کند. (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۱۰، ۵۸۵) با توجه به اصل اجتماعی بودن انسان و اینکه سرنوشت انسان با افراد دیگر گره خورده است، از این رو علاوه بر اصلاح نفس باید در اصلاح دیگران نیز کوشید؛ چرا که بی‌توجهی به رفتار دیگران نوعی بی‌اعتنایی به سرنوشت خویش است. بدیهی است که اگر فساد و آلودگی گسترش یابد و جامعه را به تباهی و انحطاط سوق دهد، او نیز از این خطر مصون نمی‌ماند و آتش فساد دامنگیر او نیز خواهد شد.

۱-۸-۱- وفای به عهد

از بنیادی‌ترین ویژگی‌های زندگی جمعی، پابندی به عهد و پیمان‌هاست که زندگی بدون آن دشوار و جامعه به هرج و مرج سوق پیدا میکند. عامل بودن به پیمان‌ها و عهدها، زمینه‌ساز اعتماد عمومی، امنیت، سالم‌سازی روابط اجتماعی و بستر تلاش‌های گوناگون در این زمینه می‌باشد؛ از این رو انسان به طور فراوان به رعایت آن سفارش شده است (إسراء/۳۴ - مائده/۱) و در شمار صفات مومنان، این صفت از ویژگی‌های اصلی مومنان آمده است (بقره/۱۷۷) که وفای به عهد در مناسبات اجتماعی باعث جذب و افزایش ارتباطات و تداوم روابط می‌گردد. جامعه ای که به اصل پابندی به پیمان‌ها اهتمام ورزد و همه تلاش خود را در حفظ و نگهداری از آن به کار گیرد از آرامش برخوردار خواهد بود و در نتیجه در تمام زمین‌ها به سوی کمال و پیشرفت گام برخواهد داشت. در روایات نیز از وفاکنندگان به پیمان‌ها تمجید شده است امام علی

(علیه السلام) میفرماید: «سنة الكرام الوفاء بالعهد» (تمیمی آمدی، ۱۳۳۹: ۲، ۲۲۶) در روایت دیگری میفرماید: «بِحسن الوفاء يُعرفُ الأبرارُ» (لیثی، ۱۳۷۶: ۲۹) در روایات مذکور وفای به عهد از شیوه رادمردان و راه شناخت نیکان دانسته شده است.

۱-۹-۱- صله ارحام

از دیگر آداب معاشرت صله رحم است، یعنی سرکشی به خویشان و اقوام. اینکه در جامعه ماشینی امروز، عواطف انسانی بخشکد و رفت و آمدهای خانوادگی تحت الشعاع کارهای روزانه قرار گیرد، عملی مورد انتقاد است؛ زیرا که سرکشی به خویشان بسیار مورد تأکید اسلام واقع شده است. علی (علیه السلام) میفرماید: «با خویشان خود صله کنید هر چند به سلام باشد» (کلینی، ۱۳۶۳: ۲، ۱۵۵) یکی از رفتارهایی که باعث استحکام پیوند خویشان و افراد جامعه و از شاخصه‌های اساسی جامعه ساعتند و از شیوه‌های تحکیم برادری است، صله رحم است؛ صله رحم باعث جلب محبت است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱، ۱۰۸) و در احادیث از آن به عنوان عامل محبوبیت انسان میان بستگان یاد شده است. (کلینی، ۱۳۶۳: ۲، ۱۵۱) سفارش اکید دین بر این است که با آنان که با شما قطع رابطه کرده‌اند، تجدید رابطه کنید: «صِلْ مَنْ قَطَعَكَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۱، ۵۳۵) که این امر بر اهمیت تداوم روابط اجتماعی سالم و پایدار تأکید می‌کند؛ زیرا اگر اجتماعات کوچک خویشاوندی تقویت شود، اجتماع عظیم آن‌ها نیز عظمت می‌یابد و بدین صورت آرمان‌های جامعه تحقق می‌یابد.

۱-۱۰-۱- سپاس‌گزاری و قدردانی

قرآن مجید در بیش از هفتاد آیه، سپاس‌گزاری و قدردانی را چه از جانب خدا و چه از سوی انسانها مورد اشاره قرار داده و با عناوین گوناگونی بر انجام این کار نیک پای فشرده است. بی‌گمان هر کسی در هر مقام و منزلت علمی و اجتماعی که باشد این انتظار را دارد که در برابر کار پسندیده و نعمتی که داده است از وی تشکر شود. بسیاری از اوقات دیده شده است که ناسپاسی به معنای عدم تشکر از سوی مقابل معنا شده است. این موضوع واکنش احساسات و عواطف شخص را برانگیخته و از انجام اعمال نیک و رفتار پسندیده سرباز زده است؛ زیرا عدم ابراز تشکر را به معنای ناسپاسی تعبیر و تفسیر نموده است. بنابراین یکی از عوامل محبت آفرین و تحکیم بخش در روابط، داشتن روحیه سپاس‌گزاری و قدردانی نسبت به مردم در تعاملات اجتماعی است. زیرا

هنگامی که در مقابل عمل افراد از آنها تقدیر شود، آنان نسبت به این کار مصمم و ترغیب شده و این امر باعث تداوم روابط افراد می‌شود؛ همچنان که خداوند پاداش نیکی را جز با نیکی نمی‌داند. (الرحمن/۶۰) در اهمیت این امر همین بس که امام رضا (علیه السلام) شکر مخلوق را برابر با شکر منعم می‌داند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۵، ۱۵۳) همچنان که خداوند سپاسگزاری از افراد را به سود خود شخص سپاسگزار می‌داند. (نمل/۴۰)

۱-۱-۱۱- درست گوش کردن به سخنان دیگران

در مباحث معاشرتی، نحوه استفاده از قدرت شنوایی و به تعبیر دیگر خوب شنیدن و درست گوش دادن، نقش مهمی در سالم سازی فضای تعاملات دارد؛ چرا که بی‌اعتنایی به حرف‌های گوینده، نشان از بی‌توجهی به او است و این امر سبب ناراحتی گوینده و سردی روابط می‌گردد. برعکس، توجه و ابراز علاقه، نشان از ادب و تربیت اجتماعی و بها دادن به موقعیت انسانی گوینده به شمار می‌رود. تا آنجا که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حتی به سخنان بیمار دلان گوش می‌دادند تا حدی که آنان به ستوه می‌آمدند و پیامبر را گوش خطاب می‌کردند. (توبه/۶۱) در سیره تربیتی و اجتماعی ائمه هم تاریخ شاهد این مدعاست که هیچگاه سخن کسی را قطع نمی‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۹، ۹۰)

۱-۲-۱- نبایدهای این حوزه

این حوزه در کنار بایدهای ذکر شده، نبایدهایی دارد که در ادامه بدانها می‌پردازیم:

۱-۲-۱- حضور در مواضع تهمت

بر مؤمن واجب است در هر حال و هر کجا از آبروی خود محافظت کند و از حضور در هر مکان و قرار گرفتن در هر شرایطی که ممکن است سبب ایجاد افکار تهمت‌زا درباره وی شود و به آبرویش زیان برسد، خودداری نماید؛ زیرا حاضر شدن در جاهایی که بدگمانی دیگران را تحریک می‌کند، موجب به گناه افتادن افراد دیگر می‌شود. پیشوای پرهیزگاران، امام علی (علیه السلام)، درباره افرادی که خود را آگاهانه در مواضع تهمت قرار می‌دهند، می‌فرماید: «نباید آن را که به او سوء ظن می‌برد، سرزنش کرد.» (بروجردی، ۱۳۸۳: ۲۰، ۲۱۱-۲۱۲) همچنین حضرت امام صادق (علیه السلام) درباره

این گونه اشخاص می‌فرماید: «آنان که خود را در مواضع تهمت قرار می‌دهند، باید خودشان را سرزنش کنند.» (بروجردی، ۱۳۸۳: ۲۰، ۲۱۱-۲۱۲) زیرا انسان با حضور در مواضعی که باعث سوء ظن و تهمت نسبت او می‌گردد، سبب سلب اعتماد افراد می‌شود و این امر کم‌رنگ شدن مناسبات اجتماعی او با دیگران را در پی دارد.

۱-۲-۲- دروغ

یکی از صفاتی که باعث از هم‌گسیختگی و نابودی اعتماد افراد می‌باشد، دروغ است که در قرآن برابر با نداشتن ایمان به آیات خدا معرفی شده است: ﴿إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ (نحل/۱۰۵) این آیه به خوبی بیانگر هشدار جدی برای افراد جامعه اسلامی در روابط آنهاست تا در برابر آن بی‌تفاوت نبوده و حساسیت کامل نشان دهند؛ چرا که داشتن چنین صفتی باعث سلب اعتماد و ایجاد عداوت و دشمنی میان افراد است؛ همچنان که امام علی (علیه السلام) فرموده‌اند: «کسی که به دروغ‌گویی شناخته شود، اعتماد مردم به او کم می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۳۹: ۵، ۳۹۰) امام باقر (علیه السلام) فرمود: «خدای عز و جل برای بدی قفل‌هایی قرار داده و کلیدهای آنها را شراب قرار داده و دروغ از شراب بدتر است.» (کلینی، ۱۳۶۳: ۲، ۳۳۹) در شرح این سخن آمده است: «گویا سرش این است که شراب عقل را زائل کند و با زائل شدن آن تمامی موانع، چون شرم از خدا و خلق و تفکر در قبح و عقاب خدا و مفسده‌های دنیوی و اخروی، برداشته شود و همه این قفل‌ها باز گردد، و گویا مراد از دروغی که از شراب بدتر است، دروغ بر خداوند و حجت‌های اوست؛ زیرا آن هم‌ردیف کفر است و حلال شمردن شراب هم یکی از نتایج آن است.» (کلینی، ۱۳۶۳: ۲، ۳۳۹) مهم‌ترین سرمایه یک جامعه اعتماد و اطمینان عمومی است و مهم‌ترین چیزی که این سرمایه را نابود می‌کند، دروغ و خیانت است و یک دلیل عمده بر اهمیت راستگویی و ترک دروغ در تعلیمات اسلامی همین موضوع است. در احادیث اسلامی می‌خوانیم که پیشوایان دین از دوستی با چند طایفه از جمله دروغ‌گویان شدیداً نهی کردند، چرا که آنها قابل اطمینان نیستند؛ همچنان که امام علی (علیه السلام) در کلمات قصارش می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَمُضَادَّةَ الْكَذَّابِ؛ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ، يَقْرَبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ، وَيَبْعُدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ؛ از دوستی با دروغگو بپرهیز که او همچون سراب است، دور را در نظر تو نزدیک و نزدیک را دور می‌سازد. (شریف رضی، ۱۳۶۸: کلمه قصار ۳۷)

۱-۲-۳- نفاق

نفاق گرچه خود یکی از اوصاف خبیثه است، اما چه بسیار از رذایل اخلاقی که در بستر نفاق نشو و نما میکنند و استمرار نفاق این صفات را شدت میبخشد و انسان را هرچه بیشتر به سوی قبیح و رذایل سوق میدهد و در سوره بقره، خداوند متعال سیزده آیه را به مشخصات دورویان و منافقان اختصاص داده است. (بقره/ ۸۲۰) علاوه بر آن، یک سوره به نام منافقون نازل فرموده است و در آیات بسیاری از قرآن نیز درباره بیماری مهلک دورویی و نفاق و نشانه‌های دورویان و منافقان اشاره‌های متعددی را بیان فرموده است. این همه گزارش از احوال منافقان، حاکی از خطر مهلک بیماری دورویی و نفاق و آثار مخرب آن در زندگی فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی مبتلایان به دورویی و نفاق است. که نفاق باعث کینه‌توزی می‌شود (بقره/ ۲۰۴) که این کینه‌توزی و دشمنی، باعث تقویت انگیزه انتقام در روابط اجتماعی و برخوردهای افراد می‌شود که انتقام میان افراد باعث درگیری‌های شدید، از بین رفتن صمیمیت و گسستگی روابط اجتماعی می‌شود. نفاق اساساً در بستر جوامع دینی شکل می‌گیرد. هر جا که حیات مردمان با دین گره خورده است، طبیعتاً رگه‌هایی از جریان‌ی به وجود می‌آید که بقای خویش را در رویکرد به نفاق میبیند، مانند گیاهان هرزهای که به دور درختان زیبا میپیچند و سعی دارند در افساد آن دارند و خطر نفاق هم در همین جاست. زیرا به طور تدریجی و به تعبیر قرآنی با تربص و انتظار، به خشکاندن ریشه‌های دین در جامعه میپردازد و از این رو دیرپاتر از کفر است و ضربهای که نهضت اسلامی در تاریخ از ناحیه منافقین دیده پیش از ضربهای است که کفار خورده است و لذا قرآن از منافقین تعبیر به «الد الخصام» یعنی سرسخت‌ترین دشمنان میکند. (بقره/ ۲۰۵) زیرا منافقین همان هدفی را دنبال میکنند که کفار دنبال میکنند؛ منتها با زیرکی و به طور پنهانی. کفار از بیرون جامعه اسلامی را تهدید میکنند و این قابل دفع است، اما منافقین از درون و شیطانگونه در رگهای جامعه به حرکت در می‌آیند و فرهنگ دینی را که مایه حیات و سبب قوام حکومت دینی است، مضمحل میکنند. حضرت امیر (علیه السلام) در نامه‌های به محمد بن ابی بکر به این نکته اشاره می‌کنند و میفرمایند: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود که من بر امت خود از مومن و مشرک باک ندارم؛ زیرا مومن را خدا به سبب افزایش ایمانش باز میدارد و مشرک را به سبب شرکش سرکوب میسازد. ولی بر شما از منافق دانا میترسم که چیزهایی میگوید که میپسندید و کارهایی میکند که شما قبول ندارید.» (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۲، ۳۸۲)

۱-۲-۴- مجادله

جر و بحث‌های بیحاصل، از موانع مهم ارتباط گفتاری موثر در روابط است که در آموزه‌های دینی با عنوان جدال و مراء، نکوهش و انسان از آن بازداشته شده است. جدال و مراء که نشأت گرفته از صفاتی چون خودبزرگ‌بینی و برتری‌جویی و به قصد محکوم و شرم‌نامه ساختن مخاطب صورت می‌گیرد، مخاطب را نیز به عکس‌العمل متقابل یعنی جدال و لجبازی می‌کشاند و با سلب احترام متقابل، ادامه ارتباط را دچار مشکل می‌سازد. امام هادی (علیه السلام) در این مورد می‌فرماید: «مجادله کردن، دوستی دیرین را از بین می‌برد و پیوند استوار را از هم می‌گسلد، و کمترین چیزی که در آن هست چیره‌جویی است و چیره‌جویی خود عامل اصلی قطع رابطه است.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵، ۳۶۹) اگر فضای بحث‌ها را تعصب‌ها، لجاجت‌ها، خودخواهی‌ها و خشونت‌ها و در یک کلمه جدال و مراء فرا گیرد، حقایق تبیین نمی‌شوند و نمی‌توان به نظرات صحیح و سالم رسید. بنابراین اساس و مبنای روابط، صحیح و سالم نخواهد بود و تعاملات ناپایدار خواهند بود؛ زیرا جدال میان افراد از القائنات شیطان است. (انعام/۱۲۱) همچنان که امام باقر (علیه السلام) نتیجه مجادله و نداشتن متانت در کلام را، دشمنی در روابط قلمداد می‌کند: «لَا تَسْتُوُوا النَّاسَ فَتَكْسِبُوا الْعَدَاوَةَ بَيْنَهُمْ.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲، ۱۶۳)

۱-۲-۵- تکبر

یکی دیگر از صفات منفی اخلاقی، صفت رذیله عجب و تکبر است که قرآن ۴۷ بار این صفت نکوهیده را مذمت کرده است که سخن اول را در مفاسد جهانی و نابسامانی‌های اجتماعی بشر می‌زند و بلای بزرگ بشریت در عصر کنونی نیز همین استکبار است. خداوند نیز مستکبرین را هم ردیف با مکذبین قرار داده و آنان را گنهکاران معرفی می‌کند. (اعراف/۴۰) صفت کبر همان صفتی بود که باعث شد شیطان از فرمان خدا سرپیچی کند. (بقره/۳۴) هر کس گرفتار صفت رذیله تکبر شود، از پذیرش حق سر باز زده و به حق پشت می‌کند که با توجه به اجتماعی بودن انسان، این حق‌گریزی باعث به وجود آمدن کشمکش‌های شدید و نابودی روابط می‌شود. از بلاهای مهمی که بر سر افراد متکبر وارد می‌شود، انزوای اجتماعی و پراکندگی مردم از طرف آنهاست؛ چرا که شرف هیچ انسانی اجازه نمی‌دهد تسلیم برتری‌جویی‌های افراد متکبر و مغرور شود؛ به همین دلیل به زودی نزدیک‌ترین دوستان و بستگان از آنها فاصله خواهند گرفت.

۱-۲-۶- خیانت

همانطور که امانتداری، اعتمادآفرین و مایه یکپارچگی و وحدت و دوستی است، امانت‌شکنی نیز بیاعتمادی، تفرقه و دشمنی را به ارمغان می‌آورد. حضرت علی (علیه السلام) در اشاره به این اثر از پیامدهای امانت‌شکنی، خیانت و دوستی را دو امر ناسازگار معرفی کرده و می‌گویند: «لَا تَجْمَعُ الْخِيَانَةَ مَعَ الْأُخُوَّةِ.» (تمیمی آمدی، ۱۳۳۹: ۶، ۳۷۲) کسی که نتواند امانتدار و رازدار مردم باشد، گرفتار یک رذیله اخلاقی و معاشرتی است؛ خیانت در امانت و افشای اسرار، نشانه ضعف نفس و سستی اراده است. خیانت در اسرار و امانات مردم همچون آتش سوزانی است که همه پیوندها را از میان می‌برد و سبب هرج و مرج جامعه و فقر و ضعف و بدبختی است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۸، ۶۰) خداوند نیز مومنان را به دوری از خیانت در امانت امر می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (انفال/ ۲۷) در روایات، فردی که خائن در امانت است برابر با فردی که ایمان ندارد، معرفی شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۹، ۱۸۹) از آثار خیانت، خواری و تلخ‌کامی انسانهای خیانت‌پیشه است (طوسی، ۱۳۶۱: ۳۱) از دیگر آثار روانی خیانت، شرمساری و سرافکندگی است؛ زیرا آن‌سان که خیانت، خود از بدترین بدیها به شمار می‌آید (تمیمی آمدی، ۱۳۳۹: ۲، ۲۹۷) خیانت‌کاران نیز از بدترین انسانها شمرده شده‌اند. (تمیمی آمدی، ۱۳۳۹: ۴، ۱۷۵)

۱-۲-۷- خلف وعده

قرآن کسانی را که عامل به وعده‌های الهی نیستند، به شدت از پیمان‌شکنی برحذر داشته شده و آنان را هم‌ردیف مفسدان بیان می‌کند (رعد/ ۲۵) و آنان را کسانی معرفی می‌کند که این خلف وعده آنها باعث به وجود آمدن قساوت در قلب‌شان می‌گردد. (مائده/ ۱۳) خودخواهی و عدم اعتنا به حقوق دیگران، از جمله ریشه‌های پیمان‌شکنی است که چنین افرادی در زمره خداجویان نیستند و بر طبق قرآن از کافران و منافقان هستند: ﴿لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَا لَا ذِمَّةَ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ﴾ (توبه/ ۱۰) در روابط میان افراد، خلف وعده، باعث بی‌اعتمادی مردم و از دست دادن سرمایه اجتماعی اعتبار میان اشخاص و بی‌ارزش شدن وعده‌ها نزد افراد می‌گردد و دیگر مردم به قول-ها و وعده‌های آنها اعتماد نکرده و ارزشی برای آنها قائل نخواهند شد. در توبیخ پیمان‌شکنان، روایات به خوبی چهره ناخوشایند آنان را به نمایش می‌گذارد. در برخی روایات از آنان به عنوان خیانتکار (تمیمی آمدی، ۱۳۳۹: ۱، ۳۴۷) و در برخی به عنوان

انسانهای غیر قابل اعتماد (توبه/۷۵-۷۷) و کسانی که مستوجب خشم پروردگار هستند (تمیمی آمدی، ۱۳۳۹: ۲، ۲۲۵) یاد شده است.

۱-۲-۸- قطع رحم

مبغوض‌ترین عمل در پیشگاه خداوند بعد از شرک به خدا، قطع رحم می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱، ۵۱۶) همچنان که خداوند درباره این عمل، هشدار جدی می‌دهد و برای آن عذاب شدیدی را وعده می‌دهد: ﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ﴾ (رعد/۲۱) ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾ (محمد/۲۲) قاطع رحم جزء فاسقان و زیانکاران است؛ زیرا خود خداوند متعال کسانی را که عهد او را میشکنند و قطع رحم می‌کنند، زیانکار می‌شمارد. (بقره/۲۷) در روایات آمده است کسی که قطع رحم کند، مورد لعن خدا قرار می‌گیرد و از رحمت پروردگار دور میشود. حضرت سجاد (علیه السلام) به فرزندش امام محمد باقر (علیه السلام) در ضمن وصایای خود فرمود: «فرزندم، از دوستی با افرادی که پیوند خویشاوندی را قطع نموده و نسبت به ارحام خود بدرفتاری میکنند، بر حذر باش، که من آنها را در سه جای از قرآن ملعون یافته‌م.» (کلینی، ۱۳۶۶: ۲، ۶۴۱)

شاید برخی تصور کنند که این همه اصرار و تأکید درباره صله رحم مخصوص کسانی است که تمکن مالی دارند و از ثروت زیادی برخوردارند و میتوانند به نزدیکان خود کمک کنند، اما آنهایی که از نظر مالی در مضیق‌هاند و توان رسیدگی و مساعدت به دیگران را ندارند، صله رحم برایشان لازم نیست. اما این تصور و برداشت نادرست است؛ زیرا اگر کسی بخواهد صله رحم کند لزومی ندارد که پول و ثروت زیادی داشته باشد تا بتواند وظیفه‌اش را انجام دهد، بلکه چون هدف از صله رحم برقرار کردن ارتباط و پیوند خویشاوندی است. دین مقدس اسلام میفرماید این وظیفه را حتی با دادن یک جرعه آب و آزار نرساندن به آنان میتوانید انجام دهید و از اجر و پاداشی که خدا برای صله رحم مقرر فرموده است، بهره ببرید. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱، ۸۸)

نتیجه‌گیری

- ۱- قرآن، آداب و آموزه‌های اخلاقی اساسی و اصولی در مورد روابط و تعاملات اجتماعی دارد و همین مسائل است که اخلاق اسلامی را از اخلاق و آداب دیگر مکاتب، متمایز می‌سازد.
- ۲- قرآن کریم، در حوزه تعاملات و برخوردها اصول و معیارهایی را بیان و باید

و نبایدهایی را تعیین و تبیین نموده است که بایدهای مربوط به حوزه تعاملات و برخورد‌های اجتماعی را ذیل عناوینی چون سلام و مصافحه، خوش‌خلقی، صدق و راستی، امانت‌داری، صلح ارحام، گفتار مودبانه، تواضع و خاکساری، امر به معروف و نهی از منکر، سپاس‌گزاری و قدرشناسی و وفای به عهد و ... می‌توان تبیین کرد.

۴- نبایدهای این حوزه شامل دروغ، نفاق، مجادله، خیانت، خلف وعده، قطع رحم و ناسپاسی و ... است.

کتابنامه

- ۱- قرآن کریم، ترجمه رضایی.
- ۲- تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۳۹: غرر الحکم و درر الکلم، شرح محمد بن حسین خوانساری، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹: وسائل الشیعه، قم: موسسه آل‌البیت.
- ۴- ردایی آملی، حسین، ۱۳۸۶: نهج الفصاحه، ترجمه و تصحیح: حسین ردایی آملی، قم: نسیم حیات، چاپ نهم.
- ۵- شریف رضی، ۱۳۶۸: نهج البلاغه، ترجمه: جعفر شهیدی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۶- طوسی، محمد بن محمد، ۱۳۶۱: اخلاق محتشمی، تهران: دانشگاه تهران، اول.
- ۷- فیض کاشانی، محسن، بی‌تا: محجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، دفتر انتشارات اسلامی، دوم.
- ۸- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳: کافی، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، پنجم.
- ۹- لیثی، علی بن محمد، ۱۳۷۶: عیون الحکم و المواعظ، تصحیح: حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحدیث.
- ۱۰- مازندرانی، مولی صالح، ۱۳۸۲: شرح الکافی، الأصول و الروضة، تصحیح: ابوالحسن شعرانی، تهران: المكتبة الإسلامیه.
- ۱۱- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳: بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، سوم.
- ۱۲- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۷۷: میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث، چاپ اول.
- ۱۳- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۶: تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بیست و پنجم.
- ۱۴- نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۷: مستدرک الوسائل، قم: موسسه آل‌البیت.